

Submit Date: 22 December 2025

Revise Date: 27 April 2026

Accept Date: 05 May 2026

Initial Publish: 24 May 2026

Final Publish: 23 August 2027

# The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

## Analytical Model of the Interaction Between Criminology and International Criminal Law in Documenting Humanitarian Law Violations in Contemporary Conflicts

Najmiyehsadat Fazeli Chaharmahali<sup>\*1</sup>, Amir Shayan Hashemian<sup>2</sup>, Zeynab Baniyasi<sup>3</sup>

1. Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Theology, Shahid Ashrafi Esfahani University, Isfahan, Iran

2. M.A. Student, Department of Criminal Law and Criminology, Shahid Ashrafi Esfahani University, Isfahan, Iran

3. Department of Law, S.C., Islamic Azad University, Sirjan, Iran

\* Corresponding Author's Email: nsfch88@yahoo.com

### ABSTRACT

Contemporary armed conflicts, particularly in light of the expansion of hybrid warfare and the utilization of emerging technologies, have become associated with more complex patterns of perpetrating and concealing violations of international humanitarian law. Under such conditions, reliance solely on traditional mechanisms of international criminal law for the identification, documentation, and prosecution of these violations faces serious challenges. Accordingly, the use of interdisciplinary capacities, especially the interaction between criminology and international criminal law, may play an effective role in strengthening the process of truth discovery and the realization of criminal accountability. The present study, employing a descriptive-analytical method and an interdisciplinary approach, examines the capacities of this interaction in documenting humanitarian law violations in contemporary conflicts. Research data were collected through the analysis of library sources, reports of international institutions, and existing documentation samples. The findings indicate that the linkage between criminology and international criminal law can contribute to the formation of an analytical model at three levels: first, the identification of behavioral and structural patterns of perpetrating violations through criminological analyses; second, the assessment of the credibility, coherence, and chain of evidence using technical and psychological criteria; and third, the translation of empirical data into the material and mental elements of international crimes within the framework of international criminal proceedings. Accordingly, systematic interaction between the two fields can provide the foundation for designing more efficient standards for documenting violations and strengthening the possibility of criminal prosecution and accountability in contemporary armed conflicts.

**Keywords:** *Behavioral analysis of perpetrators; criminal accountability in conflicts; digital evidence and proof; standards for documenting violations; interdisciplinary cooperation in criminal justice.*

How to cite: Fazeli Chaharmahali, N., Hashemian, A. S., & Baniyasi, Z. (2027). Analytical Model of the Interaction Between Criminology and International Criminal Law in Documenting Humanitarian Law Violations in Contemporary Conflicts. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 5(3), 1-21.



تاریخ ارسال: ۱ دی ۱۴۰۴  
 تاریخ بازنگری: ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۵  
 تاریخ پذیرش: ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۵  
 تاریخ چاپ اولیه: ۳ خرداد ۱۴۰۵  
 تاریخ چاپ نهایی: ۱ شهریور ۱۴۰۶

## دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی

# الگوی تحلیلی تعامل جرم‌شناسی و حقوق کیفری بین‌المللی در مستندسازی نقض‌های حقوق بشر دوستانه در مخاصمات معاصر

نجمیه السادات فاضلی چهارمحالی<sup>۱\*</sup>، امیرشایان هاشمیان<sup>۲</sup>، زینب بنی اسدی<sup>۳</sup>

۱. گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و الهیات، دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی، اصفهان، ایران
  ۲. دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی، اصفهان، ایران
  ۳. گروه حقوق، واحد سیرجان، دانشگاه آزاد اسلامی، سیرجان، ایران
- \* پست الکترونیک نویسنده مسئول: nsfch88@yahoo.com

### چکیده

مخاصمات مسلحانه معاصر، به‌ویژه در پرتو گسترش جنگ‌های ترکیبی و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، با الگوهای پیچیده‌تری از ارتکاب و پنهان‌سازی نقض‌های حقوق بشر دوستانه بین‌المللی همراه شده‌اند. در چنین شرایطی، صرف اتکا به سازوکارهای سنتی حقوق کیفری بین‌المللی برای شناسایی، مستندسازی و پیگیری این نقض‌ها با چالش‌هایی جدی مواجه است. از این‌رو، بهره‌گیری از ظرفیت‌های میان‌رشته‌ای، به‌ویژه تعامل میان جرم‌شناسی و حقوق کیفری بین‌المللی، می‌تواند نقش مؤثری در تقویت فرآیند کشف حقیقت و تحقق پاسخ‌گویی کیفری ایفا کند. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و رویکردی میان‌رشته‌ای، به بررسی ظرفیت‌های این تعامل در مستندسازی نقض‌های حقوق بشر دوستانه در مخاصمات معاصر می‌پردازد. داده‌های پژوهش از طریق تحلیل منابع کتابخانه‌ای، گزارش‌های نهادهای بین‌المللی و نمونه‌های مستندسازی موجود گردآوری شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که پیوند جرم‌شناسی و حقوق کیفری بین‌المللی می‌تواند به شکل‌گیری الگویی تحلیلی در سه سطح بینجامد: نخست، شناسایی الگوهای رفتاری و ساختاری ارتکاب نقض‌ها با بهره‌گیری از تحلیل‌های جرم‌شناختی؛ دوم، ارزیابی اعتبار، انسجام و زنجیره شواهد با استفاده از معیارهای فنی و روان‌شناختی؛ و سوم، ترجمان داده‌های تجربی به عناصر مادی و معنوی جرایم بین‌المللی در چارچوب دادرسی کیفری بین‌المللی. بر این اساس، تعامل نظام‌مند میان دو حوزه می‌تواند زمینه طراحی استانداردهای کارآمدتر برای مستندسازی نقض‌ها و تقویت امکان تعقیب و پاسخ‌گویی کیفری در مخاصمات مسلحانه معاصر را فراهم آورد.

**کلیدواژگان:** تحلیل رفتاری مرتکبان؛ پاسخ‌گویی کیفری در مخاصمات؛ ادله و شواهد دیجیتال؛ استانداردهای مستندسازی نقض‌ها؛ همکاری‌های بین‌رشته‌ای در عدالت کیفری

نحوه استناددهی: فاضلی چهارمحالی، نجمیه السادات، هاشمیان، امیرشایان، و بنی اسدی، زینب. (۱۴۰۶). الگوی تحلیلی تعامل جرم‌شناسی و حقوق کیفری بین‌المللی در مستندسازی نقض‌های حقوق بشر دوستانه در مخاصمات معاصر. *دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی*، ۵(۳)، ۱-۲۱.



جنگ دوازده‌روزه میان ایران و اسرائیل، به‌عنوان یکی از بحران‌های معاصر در خاورمیانه، بازتابی از پیچیدگی‌های حقوقی و جرم‌شناختی در پیگیری نقض‌های جدی حقوق کیفری بین‌المللی است. این منازعه نه‌تنها آثار مخرب انسانی و زیرساختی برجای گذاشت، بلکه چالش‌های مهمی را در زمینه مستندسازی و پیگیری قضایی جنایات بین‌المللی نیز نمایان ساخت. از منظر حقوق کیفری بین‌المللی، ثبت و اثبات وقایع، به‌ویژه در شرایطی که دسترسی به مکان وقوع جرایم محدود است، مستلزم بهره‌گیری از روش‌های نوین جمع‌آوری شواهد و همکاری میان نهادهای ملی و بین‌المللی می‌باشد. در این میان، جرم‌شناسی با رویکردهای علمی خود می‌تواند ابزاری مؤثر برای شناسایی الگوهای ارتکاب جرم، تحلیل بستر اجتماعی - سیاسی وقوع آن و تقویت فرایند اثبات در محاکم بین‌المللی فراهم آورد (Ashouri, 2016). منظور از الگوهای ارتکاب جرم در این پژوهش، نظام‌مندترین شیوه‌های تکرارپذیر در رفتار مرتکبان، سازمان‌ها یا نیروهای درگیر در مخاصمه است که بر اساس تحلیل‌های رفتاری، زمانی و مکانی می‌توان از آن‌ها برای بازسازی سیر ارتکاب جرایم بین‌المللی استفاده کرد. این الگوها، هم در سطح فردی (رفتار مرتکبان میدانی) و هم در سطح ساختاری (نحوه تصمیم‌گیری و صدور دستورات جنایت‌آمیز) قابل شناسایی‌اند و مبنایی برای پیوند تحلیل جرم‌شناختی با عناصر مادی و معنوی جرایم در حقوق بین‌الملل کیفری فراهم می‌کنند. تجارب پیشین در حوزه جنگ‌ها و مخاصمات مسلحانه نشان می‌دهد که مستندسازی جرایم بین‌المللی بدون مشارکت فعال جرم‌شناسان، با چالش‌های متعددی از جمله عدم دقت در جمع‌آوری شواهد، نقص در تحلیل داده‌ها و ضعف در ارائه پرونده‌های قضایی روبه‌رو است (Garland, 2001). به‌عنوان نمونه، در فرایند مستندسازی جنایات جنگ بوسنی در دهه ۱۹۹۰، گزارش‌های اولیه کمیسیون‌های حقیقت‌یاب به دلیل نبود تحلیل رفتاری مرتکبان و

ارزیابی جرم‌شناختی زمینه‌های ارتکاب، در بازسازی زنجیره فرماندهی و اثبات قصد جنایی با نارسایی مواجه شد (Drumbl, 2007). از این منظر، ضعف‌های مذکور نه‌تنها فنی، بلکه تحلیلی و ساختاری بوده‌اند؛ به این معنا که نبود رویکرد جرم‌شناختی سبب شده تحلیل داده‌ها صرفاً توصیفی باشد و الگوهای رفتاری مجرمانه، که برای احراز عناصر معنوی جرم حیاتی‌اند، نادیده بمانند.

جرایم جنگی، جنایات علیه بشریت و سایر نقض‌های بین‌المللی نیازمند ارزیابی دقیق شرایط ارتکاب، شناخت الگوهای تکرار و تحلیل زمینه‌های اجتماعی و سیاسی هستند. در این راستا، مطالعات جرم‌شناختی می‌تواند به‌عنوان یک مکمل کلیدی برای حقوق کیفری بین‌المللی عمل کرده و فرایند مستندسازی را علمی‌تر، نظام‌مندتر و معتبرتر سازد (Cassese, 2013).

بررسی‌های پیشین در حوزه مستندسازی نقض‌های حقوق بشر دوسنه و جنایات جنگی، عمدتاً بر نقش نهادهای بین‌المللی و سازوکارهای رسمی مانند «کمیسیون حقیقت‌یاب سازمان ملل در سوریه» و «گزارشگر ویژه در امور یمن و فلسطین» متمرکز بوده‌اند (Jones, 2019; Mégrét, 2021). با این حال، پژوهش‌هایی که به‌طور خاص به تعامل میان جرم‌شناسی و حقوق کیفری بین‌المللی در زمینه‌ای مشابه با وضعیت ایران و اسرائیل پرداخته باشند، بسیار اندک است. در واقع، بخش قابل‌توجهی از ادبیات موجود در این حوزه، تمرکز خود را بر تحلیل‌های حقوقی صرف قرار داده و ابعاد جرم‌شناختی مستندسازی - از جمله تحلیل رفتاری مرتکبان، روش‌های نوین ارزیابی داده‌ها و بهره‌گیری از فناوری در گردآوری شواهد - را کمتر مورد بررسی قرار داده است (Cohen, 2013; Hagan & Rymond-Richmond, 2009). این امر بیانگر خلأ علمی مهمی در ادبیات میان‌رشته‌ای است؛ به‌گونه‌ای که هنوز چارچوب نظری و عملی مشخصی برای پیوند مؤثر میان رویکردهای جرم‌شناسی و حقوق کیفری

جرم‌شناسی در تحلیل رفتارهای مجرمانه در مخاصمات مسلحانه» را روشن سازد.

### بعد جرم‌شناسی

جرم‌شناسی جنگی شاخه‌ای از جرم‌شناسی است که به بررسی علل، الگوها و پیامدهای ارتکاب جرایم در جریان مخاصمات مسلحانه می‌پردازد. این حوزه علمی تلاش می‌کند تا فرایند ارتکاب جنایات جنگی، خشونت علیه غیرنظامیان و سایر نقض‌های حقوق کیفری بین‌المللی را در چارچوبی تحلیلی و علمی شناسایی و طبقه‌بندی کند (Ashouri, 2016). قلمرو جرم‌شناسی جنگی شامل تحلیل رفتار مرتکبان، بررسی ساختارهای نظامی و سازمانی دخیل در ارتکاب جرم، و ارزیابی شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است که می‌تواند موجبات وقوع جرایم را فراهم آورد. این حوزه، علاوه بر مطالعه علل و انگیزه‌ها، بر مستندسازی علمی و دقیق نقض‌ها نیز تأکید دارد تا داده‌های جمع‌آوری شده قابل استناد در محاکم بین‌المللی باشد (Garland, 2001).

نقش جرم‌شناسی در مواجهه با نقض‌های حقوق بشر دوستانه، بیش از آن‌که ناظر به مستندسازی فنی جرم باشد، ناظر به تحلیل علی و تبیینی رفتارهای مجرمانه در بستر مخاصمات مسلحانه است. در واقع، مستندسازی نقض‌ها به‌طور عمده در قلمرو علوم جنایی اثباتی (مانند جرم‌یابی، ادله‌شناسی و پزشکی قانونی) قرار می‌گیرد، در حالی‌که جرم‌شناسی مخاصمات مسلحانه بر تبیین الگوهای ارتکاب، زمینه‌های ساختاری و انگیزه‌های جمعی یا فردی مرتکبان تمرکز دارد (Crawford, 2019). با این حال، یافته‌های جرم‌شناختی می‌توانند به‌صورت غیرمستقیم در فرایند مستندسازی نیز به‌کار گرفته شوند؛ به این معنا که تحلیل‌های جرم‌شناسانه، مسیرهای جمع‌آوری داده و جهت‌گیری تحقیقاتی تیم‌های مستندسازی را هدایت می‌کنند. برای نمونه، شبیه‌سازی‌های رفتاری می‌تواند بازسازی تعاملات نیروهای نظامی یا شبه‌نظامی را در شرایط خاص (مانند حملات هدفمند یا تصمیم‌گیری‌های

بین‌المللی در فرایند مستندسازی و پیگیری نقض‌ها در مخاصمات معاصر ارائه نشده است. همین‌طور، ضرورت انجام پژوهش‌های کاربردی و تطبیقی در این حوزه را توجیه می‌کند و مبنای اصلی شکل‌گیری پژوهش حاضر به شمار می‌آید.

با توجه به اهمیت و حساسیت موضوع، مقاله حاضر تلاش دارد تا ضمن تبیین نقش و ظرفیت‌های جرم‌شناسی در فرایند مستندسازی، نحوه تعامل این دانش با نظام حقوق کیفری بین‌المللی را در بستر جنگ دوازده‌روزه ایران و اسرائیل بررسی نماید. تمرکز مقاله بر تحلیل علمی شواهد، بررسی پیشینه مستندسازی و ارزیابی راهکارهای موجود برای پیگیری نقض‌ها است. این رویکرد امکان می‌دهد تا ضمن ارائه دیدگاه تحلیلی مبتنی بر شواهد، چارچوبی برای بهبود فرایند مستندسازی و پیگرد جرایم بین‌المللی ارائه شود. هدف اصلی این مطالعه، پاسخ به این پرسش است که چگونه می‌توان با تلفیق رویکردهای جرم‌شناختی و حقوقی، فرایند مستندسازی و پیگرد نقض‌های بین‌المللی را در مخاصمات مسلحانه، به‌ویژه در جنگ دوازده‌روزه ایران و اسرائیل، به شکل مؤثرتر و علمی‌تر پیش برد. این پژوهش، ضمن بررسی چارچوب نظری و مطالعه موردی، سعی دارد نقش دقیق و کاربردی هر یک از دو حوزه علمی یادشده را در تحقق عدالت و پاسخگویی کیفری مشخص سازد.

### چارچوب نظری

در هر پژوهش میان‌رشته‌ای، چارچوب نظری نقش ستون فقرات تحلیل را ایفا می‌کند؛ زیرا مفاهیم، روابط و جهت‌گیری تحلیلی پژوهش را تبیین می‌سازد. در مطالعه حاضر، تبیین تعامل میان جرم‌شناسی و حقوق بین‌الملل کیفری در زمینه مستندسازی و پیگیری نقض‌های بین‌المللی در جنگ دوازده‌روزه ایران و اسرائیل، مستلزم اتکا به چارچوبی نظری است که بتواند پیوند میان «سازوکارهای عدالت کیفری بین‌المللی» و «رویکردهای علمی

همچنین، کاربرد هوش مصنوعی در تحلیل الگوهای رفتاری، طبقه‌بندی تصاویر و پیش‌بینی مناطق پرخطر، موجب افزایش سرعت و دقت فرایند مستندسازی می‌شود و احتمال خطا یا سوگیری انسانی را کاهش می‌دهد. نمونه عملی این کاربرد، استفاده از الگوریتم‌های یادگیری ماشینی برای تحلیل تصاویر ماهواره‌ای حملات هوایی در یمن است که به شناسایی الگوهای تکرار نقض‌ها و پیش‌بینی مناطقی با خطر بالای آسیب غیرنظامیان کمک کرده است (Schabas, 2017).

در مجموع، جرم‌شناسی جنگی با تلفیق روش‌های سنتی - مانند مصاحبه با شاهدان و بررسی اسناد - و ابزارهای نوین فناوری - مانند تحلیل تصاویر ماهواره‌ای، داده‌های متن‌باز و هوش مصنوعی - توانایی ارائه تحلیل‌های قابل راستی‌آزمایی و مستدل از نقض‌های حقوق کیفری بین‌المللی را دارد. این رویکرد نه تنها امکان شناسایی الگوهای تکرار نقض‌ها و بازسازی سیر ارتکاب جرایم را فراهم می‌کند، بلکه با ارائه معیارهای علمی برای اعتبارسنجی شواهد و تحلیل رفتار مرتکبان، زمینه را برای همکاری مؤثر با محاکم بین‌المللی و ارتقای دقت دادرسی‌ها مهیا می‌سازد. به این ترتیب، جرم‌شناسی جنگی به‌عنوان یک حوزه تحلیلی، نقش تکمیلی و عملیاتی در فرایند پیگیری قانونی جرایم بین‌المللی ایفا می‌کند و صرف تکرار کلیات، بدون ارائه این جزئیات کاربردی، کافی نیست.

#### بعد حقوق کیفری بین‌المللی

حقوق کیفری بین‌المللی به‌عنوان شاخه‌ای از حقوق بین‌الملل، چارچوب قانونی لازم برای شناسایی، تعقیب و مجازات مرتکبان جرایم بین‌المللی، از جمله جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت و نسل‌کشی را فراهم می‌آورد (Cassese, 2013). این شاخه حقوقی بر اساس اصول بنیادین، مانند اصل مسئولیت کیفری فردی، عدم مصونیت مقام‌ها و اصل قانونی بودن جرم و مجازات، به تنظیم رفتار بازیگران مسلح در مخاصمات می‌پردازد. منابع اصلی حقوق

زنجیره‌ای در عملیات) ممکن سازد و از این طریق، درک دقیق‌تری از ساختار تصمیم‌گیری جنایی به دست دهد. همچنین، بررسی الگوهای تکرار نقض‌ها از منظر جرم‌شناسی تطبیقی، امکان شناسایی الگوهای رفتاری سیستماتیک (نظیر حملات مکرر به زیرساخت‌های غیرنظامی یا تکرار خشونت علیه گروه‌های خاص) را فراهم می‌کند؛ امری که می‌تواند در تعیین «نیت جنایی جمعی» یا «سیاست کلی حمله» در محاکم بین‌المللی مؤثر واقع شود (Mégret, 2021).

با پیشرفت فناوری، ابزارهای نوین گردآوری و تحلیل داده‌ها نقش برجسته‌ای در جرم‌شناسی جنگی یافته‌اند. تصاویر ماهواره‌ای، داده‌های متن‌باز و هوش مصنوعی ابزارهایی هستند که امکان نظارت بر صحنه‌های جنگ، شناسایی اهداف آسیب‌پذیر و تحلیل رفتار مرتکبان را به‌طور بی‌طرفانه و علمی فراهم می‌کنند (Jones, 2019).

تصاویر ماهواره‌ای، به‌ویژه، می‌توانند تغییرات فیزیکی در مناطق تحت مخاصمه، تخریب زیرساخت‌ها و حمله به اهداف غیرنظامی را به‌دقت ثبت کنند و به‌عنوان مدرک مستند برای محاکم بین‌المللی مورد استفاده قرار گیرند. به‌عنوان نمونه، در جنگ سوریه، سازمان‌های بین‌المللی و گروه‌های تحقیقاتی با تحلیل تصاویر ماهواره‌ای، تخریب بیمارستان‌ها و مناطق مسکونی را مستند کردند و این شواهد در گزارش‌های کمیسیون حقیقت‌یاب سازمان ملل به‌کار گرفته شد (Human Rights, 2013). تحلیل داده‌های باز، شامل اخبار، ویدئوها و اطلاعات منتشرشده در شبکه‌های اجتماعی، امکان ارزیابی سریع و مقایسه‌ای وقایع و شواهد را فراهم می‌آورد. برای مثال، در جنگ اوکراین، محققان و نهادهای حقوق بشری از داده‌های متن‌باز برای تأیید حملات هوایی و موشکی، شناسایی مکان‌ها و زمان وقوع نقض‌ها استفاده کردند و یافته‌ها به‌عنوان شواهد در گزارش‌های سازمان ملل و رسانه‌های معتبر منتشر شد (Kavanagh & Chapman, 2020).

بین‌الملل کیفری شامل کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل‌های الحاقی آن، منشورهای سازمان ملل، رویه قضایی دیوان کیفری بین‌المللی و دیگر محاکم بین‌المللی ویژه هستند. این منابع ضمن مشخص کردن انواع جرایم و مصادیق نقض، قواعدی برای جمع‌آوری شواهد و روند دادرسی ارائه می‌دهند (Schabas, 2010) که برای مستندسازی نقض‌ها علیه ایران در جنگ دوازده‌روزه اهمیت حیاتی دارند. به‌عنوان نمونه، کنوانسیون چهارم ژنو و پروتکل‌های الحاقی آن، روش‌هایی برای مستندسازی حملات به مناطق غیرنظامی و محافظت از زیرساخت‌های حیاتی ارائه می‌کنند که در تحلیل تصاویر ماهواره‌ای از تخریب شهرک‌ها و زیرساخت‌ها در جنگ دوازده‌روزه ایران و اسرائیل کاربرد دارند. همچنین، رویه قضایی دیوان کیفری بین‌المللی در پرونده دارفور، معیارهای تحلیل شواهد و ارزیابی رفتار سازمان‌یافته ارتکاب جنایات جنگی را مشخص کرده است که می‌تواند در بررسی تکرار حملات علیه اهداف غیرنظامی در جنگ دوازده‌روزه به‌کار گرفته شود. این مصادیق نشان می‌دهند که منابع حقوق بین‌الملل کیفری، نه تنها در سطح نظری، بلکه در عمل نیز برای مستندسازی دقیق و قابل راستی‌آزمایی نقض‌ها اهمیت حیاتی دارند.

صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی به‌عنوان اصلی‌ترین مرجع قضایی بین‌المللی در رسیدگی به جرایم بین‌المللی، محدودیت‌ها و شرایط خاص خود را دارد. صلاحیت دیوان تنها در صورتی اعمال می‌شود که: (۱) جرایم ارتكابی پس از تأسیس دیوان صورت گرفته باشند، (۲) دولت‌های مربوطه عضو اساسنامه رم باشند یا شورای امنیت سازمان ملل، پرونده را به دیوان ارجاع داده باشد، و (۳) نظام قضایی ملی قادر یا مایل به رسیدگی نباشد (Cassese, 2013). علاوه بر این، اصل شدت‌مندی ایجاب می‌کند که تنها جرایم با ابعاد وسیع و اثرات قابل توجه بر قربانیان یا جامعه بین‌المللی در صلاحیت دیوان قرار گیرند، و اصل قابلیت پذیرش تضمین می‌کند که پرونده زمانی در دیوان بررسی شود که دیوان

ملی نتواند یا نخواهد به‌طور مؤثر رسیدگی کند. به این ترتیب، اعمال صلاحیت دیوان محدود به جرایم جدی، با تأثیر گسترده و در شرایطی است که نظام قضایی ملی پاسخگو نبوده یا ناتوان باشد (Jones, 2019). این محدودیت‌ها به معنای آن است که در بسیاری از مخاصمات، مانند جنگ دوازده‌روزه، اثبات نقض‌ها و ارائه پرونده‌های مستدل برای پیگیری حقوقی بین‌المللی، نیازمند تعامل نزدیک با سیستم‌های ملی و بهره‌گیری از شواهد جرم‌شناسانه است.

از منظر حقوقی، جرایم بین‌المللی دارای سه عنصر کلیدی هستند: مادی، روانی و زمینه‌ای. عنصر مادی شامل اقدامات ملموس مانند حمله به غیرنظامیان، تخریب زیرساخت‌های غیرنظامی، گروگان‌گیری و کشتار عمدی است، در حالی که عنصر روانی بر قصد و آگاهی مرتکب نسبت به پیامدهای اعمالش تمرکز دارد (Garland, 2001). عنصر زمینه‌ای به شرایطی اشاره دارد که وقوع جرم را ممکن می‌سازد، مانند ساختار فرماندهی نظامی، سیاست‌های عمومی حاکم، تنش‌های قومی یا مذهبی و محیط اجتماعی - سیاسی منحصربه‌فرد که بر انگیزه و رفتار مرتکبان تأثیر می‌گذارد (Mégret, 2021). شناسایی دقیق این سه عنصر، به‌ویژه در مخاصمات مسلحانه، بدون استفاده از داده‌های علمی، تحلیل‌های آماری و مطالعات جرم‌شناسانه دشوار است، زیرا تنها مشاهده مستقیم یا گزارش‌های متنی ناقص، توانایی ارزیابی نیت و الگوهای رفتاری مرتکبان را محدود می‌کند. برای مثال، در بررسی حملات به مناطق غیرنظامی در جنگ سوریه، ترکیب شواهد میدانی، تصاویر ماهواره‌ای و تحلیل داده‌های متن‌باز، امکان شناسایی قصد جمعی و تکرار نقض‌ها را فراهم کرد؛ بدون این روش‌ها، اثبات عنصر روانی و زمینه‌ای برای ارائه پرونده حقوقی قابل قبول، عملاً غیرممکن بود (Human Rights, 2013).

در این چارچوب، ترکیب دانش حقوق کیفری بین‌المللی با روش‌های جرم‌شناسی امکان تثبیت شواهد مستدل، اعتبارسنجی

می‌کند. به‌عنوان مثال، در جنگ اوکراین، محققان با تحلیل داده‌های متن‌باز و تصاویر ماهواره‌ای، مناطقی را که احتمال حملات هوایی و موشکی به غیرنظامیان در آن‌ها بالا بود، شناسایی کردند و این اطلاعات در گزارش‌های سازمان ملل و نهادهای حقوق بشری مورد استفاده قرار گرفت. همچنین، در جنگ یمن، تحلیل‌های مشابه به شناسایی شهرها و مناطق با ریسک بالای آسیب به زیرساخت‌های حیاتی کمک کرد و امکان پیش‌بینی الگوهای تکرار حملات را فراهم نمود (Kavanagh & Chapman, 2020). این نمونه‌ها نشان می‌دهند که تحلیل علمی داده‌ها نقش عملی و پیشگیرانه مهمی در حفاظت از غیرنظامیان و بهبود کیفیت مستندسازی در محاکم بین‌المللی ایفا می‌کند.

استانداردسازی شواهد برای انطباق با الزامات حقوقی، مرحله‌ای حیاتی در نقاط تماس جرم‌شناسی و حقوق کیفری بین‌المللی است. هر مدرک جمع‌آوری شده باید با اصول پذیرش شواهد در محاکم بین‌المللی مطابقت داشته باشد، از جمله اصالت، صحت و قابلیت اثبات (Jones, 2019).

جرم‌شناسان با تدوین پروتکل‌های استاندارد جمع‌آوری و نگهداری مدارک، اطمینان می‌دهند که داده‌ها به‌صورت معتبر و قابل استناد به محاکم ارائه شوند (Schabas, 2010). این پروتکل‌ها شامل مراحل مشخص و مستند زیر هستند: الف. طبقه‌بندی و دسته‌بندی شواهد: تفکیک انواع شواهد مانند تصاویر، ویدئوها، اسناد مکتوب، آثار صحنه جرم و داده‌های متن‌باز، تا تحلیل و ارجاع به آن‌ها در پرونده‌های قضایی منظم و قابل بررسی باشد. ب. ثبت دقیق زمان و مکان وقوع جرم: به کمک ابزارهایی مانند جی‌پی‌اس، تصاویر ماهواره‌ای و گزارش‌های میدانی، هر مدرک با مشخصات زمانی و مکانی ثبت می‌شود تا زنجیره اعتبار آن حفظ گردد. ج. حفظ زنجیره نگهداری مدرک: تمامی مراحل جمع‌آوری، انتقال و ذخیره‌سازی شواهد مستند و قابل پیگیری است تا از تغییر یا دستکاری احتمالی جلوگیری شود. به‌عنوان

مدارک و تحلیل الگوهای تکرار جرایم را فراهم می‌آورد. این تعامل به‌ویژه در شرایطی که شواهد مستقیم محدود است یا فشارهای سیاسی و نظامی مانع دسترسی مستقیم به صحنه وقایع می‌شود، اهمیت می‌یابد (Mégret, 2021). بررسی دقیق اصول، منابع و محدودیت‌های دیوان کیفری بین‌المللی، همراه با تحلیل عناصر مادی و روانی جرایم، زمینه را برای مستندسازی علمی نقض‌های ارتكابی در جنگ دوازده‌روزه فراهم می‌کند و امکان ارائه پرونده‌های معتبر به محاکم ملی و بین‌المللی را فراهم می‌سازد.

در مجموع، بعد حقوق کیفری بین‌المللی، با تعیین چارچوب قانونی و قضایی مشخص، ستون اصلی پیگیری و پاسخگویی به نقض‌های بین‌المللی است. در ترکیب با روش‌های جرم‌شناسانه، این بعد می‌تواند مسیر مستندسازی و تعقیب قانونی را به شکل علمی و قانونی تسهیل کند و نقش کلیدی در تضمین عدالت و پاسخگویی برای قربانیان ایفا نماید.

### نقاط تماس جرم‌شناسی و حقوق بین‌الملل کیفری

نقاط تماس میان جرم‌شناسی و حقوق کیفری بین‌المللی در فرایند مستندسازی و پیگیری نقض‌های جنگی، اهمیت بسزایی دارد. جرم‌شناسان با تحلیل علمی شواهد و داده‌ها، زمینه را برای ارائه پرونده‌های معتبر به محاکم بین‌المللی فراهم می‌آورند (Jones, 2019). نقش جرم‌شناسان در آماده‌سازی پرونده‌ها شامل شناسایی دقیق مرتکبان، جمع‌آوری شواهد مرتبط و تحلیل الگوهای تکرار نقض‌ها است. جرم‌شناسان با بهره‌گیری از روش‌های میدانی، داده‌های متن‌باز، تصاویر ماهواره‌ای و مصاحبه با شاهدان، مدارکی فراهم می‌کنند که قابلیت استفاده در محاکم بین‌المللی را دارند. آن‌ها همچنین نقش مشاوره‌ای در تبیین زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و روانی ارتكاب جرایم دارند، تا قاضی یا هیئت قضایی بتواند زمینه و انگیزه‌ها را به‌درستی درک کند (Mégret, 2021). تحلیل علمی داده‌ها علاوه بر اعتبار بخشیدن به شواهد، به پیش‌بینی و شناسایی مناطق پرخطر و الگوهای احتمالی نقض‌ها نیز کمک

شناسایی دقیق اهداف غیرنظامی و تخریب زیرساخت‌ها را فراهم کرد (Human Rights, 2013).

ب. استانداردهای برای پذیرش قضایی: این فرایند شامل تدوین پروتکل‌های جمع‌آوری، طبقه‌بندی و ثبت شواهد، و حفظ زنجیره نگهداری مدرک است تا شواهد برای محاکم بین‌المللی معتبر و قابل استناد باشند. نمونه آن، پروتکل‌های به‌کاررفته در پرونده‌های جنایات جنگی در دارفور است که تضمین می‌کرد هر مدرک ثبت دقیق زمان و مکان داشته و در طول مسیر دادرسی دستکاری نشده باشد (Schabas, 2010).

ج. ترجمه داده‌ها به زبان حقوقی: این مرحله شامل تفسیر شواهد و تحلیل جرم‌شناسانه به شکلی است که عناصر مادی، روانی و زمینه‌ای جرایم بین‌المللی برای محاکم قابل فهم باشد. به‌عنوان مثال، شواهد تصویری از حملات هوایی یا بمباران مناطق غیرنظامی، با استفاده از تحلیل الگوهای رفتاری و مستندسازی علمی، به‌صورت گزارش‌های حقوقی تنظیم می‌شود که عناصر جنایات جنگی یا جنایات علیه بشریت را مشخص می‌کند و می‌تواند به‌عنوان مدرک در دیوان بین‌المللی کیفری ارائه شود (Mégret, 2021).

این تعامل میان‌رشته‌ای نه‌تنها اعتبار پرونده‌های ارائه‌شده در محاکم بین‌المللی را افزایش می‌دهد، بلکه امکان پیگیری مؤثر جرایم بین‌المللی، حفاظت از قربانیان و پیشگیری از تکرار نقض‌ها را نیز فراهم می‌آورد. در زمینه جنگ دوازده‌روزه ایران و اسرائیل، بهره‌گیری از این رویکرد علمی و حقوقی، ابزار قانونی و شواهد معتبر لازم برای مستندسازی دقیق و پیگیری نقض‌ها را فراهم می‌کند و نقش حیاتی در تحقق عدالت بین‌المللی ایفا می‌کند.

### مطالعه موردی جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل

در ابتدا به تبیین زمینه و روند مخاصمه پرداخته خواهد شد و سپس نقض‌های ادعایی و فرایند مستندسازی مورد اشاره قرار خواهد گرفت.

نمونه، در پرونده‌های بررسی جنایات جنگی در سوریه، پروتکل‌های استاندارد شامل ثبت دقیق و هم‌زمان ویدئوهای منتشرشده در شبکه‌های اجتماعی با تصاویر ماهواره‌ای و گزارش‌های میدانی بود. این هماهنگی و استانداردسازی به محاکم بین‌المللی امکان داد تا صحت و اصالت شواهد را تأیید و از آن‌ها در گزارش‌ها و دادرسی‌ها استفاده کنند (Human Rights, 2013). این استانداردسازی نه‌تنها اعتبار شواهد را افزایش می‌دهد، بلکه حق قربانیان را تضمین و امکان دادرسی عادلانه و شفاف را فراهم می‌کند.

چالش‌های ترجمان داده‌های جرم‌شناسی به زبان حقوقی یکی از مهم‌ترین مسائل در تعامل این دو حوزه است. داده‌های علمی و تحلیل‌های جرم‌شناسانه غالباً به زبان تخصصی خود ارائه می‌شوند و تبدیل آن‌ها به اسناد حقوقی که توسط دادگاه‌ها قابل فهم باشد، نیازمند مهارت و هماهنگی میان کارشناسان است. تفاوت در اصطلاحات، روش‌های تحلیل و چارچوب‌های نظری می‌تواند منجر به سوءتفاهم یا کاهش اعتبار شواهد شود (Bassiouni, 2010). برای رفع این چالش، تیم‌های میان‌رشته‌ای شامل حقوق‌دانان، جرم‌شناسان و کارشناسان فناوری اطلاعات همکاری می‌کنند تا داده‌ها به‌صورت دقیق، قابل دفاع و مطابق استانداردهای بین‌المللی ارائه شوند. در مجموع، نقاط تماس جرم‌شناسی و حقوق کیفری بین‌المللی شامل سه بخش کلیدی و مکمل یکدیگر است:

الف. جمع‌آوری علمی شواهد: منظور از «علمی»، بهره‌گیری از روش‌های سیستماتیک و قابل راستی‌آزمایی برای گردآوری شواهد است. این روش‌ها شامل مصاحبه ساختارمند با شاهدان، تحلیل تصاویر ماهواره‌ای، داده‌های متن‌باز و بررسی اسناد رسمی است. به‌عنوان مثال، در جنگ سوریه، ترکیب گزارش‌های میدانی، تصاویر ماهواره‌ای و تحلیل داده‌های شبکه‌های اجتماعی، امکان

## زمینه و روند مخاصمه

در اواخر ژوئن ۲۰۲۵، جنگ دوازده روزه میان جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی آغاز شد. این جنگ در پی حملات هوایی گسترده اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای و نظامی ایران در تهران، فردو، نطنز و سایر نقاط حساس کشور، به وقوع پیوست. در پاسخ به این تجاوز، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران با شلیک صدها موشک بالستیک و پهپاد به اهدافی در سرزمین‌های اشغالی، از جمله تل‌آویو، حیفا و مناطق استراتژیک مانند بلندی‌های جولان، واکنش نشان دادند (Mashregh, 2025). در روز نهم جنگ، ایالات متحده به حمایت از اسرائیل پرداخته و سه تأسیسات هسته‌ای ایران در نطنز، فردو و اصفهان را بمباران کرد. در واکنش به این اقدام، ایران پایگاه نظامی ایالات متحده در قطر را هدف حمله موشکی قرار داد. در ۲۴ ژوئن ۲۰۲۵، آتش‌بس میان ایران و اسرائیل برقرار شد. این آتش‌بس که به صورت تدریجی و با فاصله زمانی ۱۲ ساعته میان دو طرف اجرایی شد، به پایان رسمی جنگ دوازده روزه انجامید (Masir Eqtesad, 2025). در طول این جنگ، مناطق مختلف ایران، از جمله تهران، تبریز، کرمانشاه، اصفهان و شیراز، هدف حملات هوایی و موشکی قرار گرفتند. این حملات منجر به تخریب گسترده زیرساخت‌های شهری، نظامی و صنعتی شد. بر اساس گزارش‌ها، تعدادی از فرماندهان نظامی، دانشمندان و مردم غیرنظامی به شهادت رسیدند و شمار زیادی از شهروندان زخمی و آواره شدند (Tirdadnameh, 2025).

## نقض‌های ادعایی و شواهد موجود

بخش حاضر به بررسی نقض‌های ادعایی حقوق بین‌الملل کیفری و بشردوستانه در جنگ دوازده روزه ایران و اسرائیل می‌پردازد و شواهد موجود برای هر مورد را تحلیل می‌کند. تمرکز این بخش بر سه محور اصلی است: حملات علیه اهداف غیرنظامی، که شامل مناطق مسکونی، زیرساخت‌های حیاتی و مراکز خدماتی می‌شود؛ استفاده از تسلیحات ممنوعه، که می‌تواند شامل سلاح‌های

شیمیایی، مین‌های ضدانسانی یا تسلیحات با اثرات گسترده بر غیرنظامیان باشد؛ و نقض حقوق غیرنظامیان، از جمله محدودیت دسترسی به کمک‌های انسانی، تخریب منابع حیاتی و تهدید جان و سلامت مردم. بررسی این نقض‌ها با تکیه بر شواهد میدانی، تصاویر ماهواره‌ای، داده‌های متن‌باز و گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی، امکان تحلیل دقیق ابعاد مادی، روانی و زمینه‌ای هر نقض را فراهم می‌آورد و زمینه را برای ارزیابی حقوقی و مستندسازی علمی آماده می‌کند.

## حمله به اهداف غیرنظامی

در روایت‌های رسمی و میدانی منتشر شده در رسانه‌های داخلی، یکی از محورهای اصلی نقض‌های ادعایی، اصابت جنگ‌افزارها به مناطق مسکونی و زیرساخت‌های عمومی شهری در تهران و چند استان دیگر است. گزارش‌ها حاکی از هدف قرار گرفتن واحدهای مسکونی در محله‌هایی چون سعادت‌آباد، نوبنیاد، شهرک محلاتی و کوهک و نیز آسیب‌های وارده به اماکن عمومی و اموال خصوصی شهروندان بود (Isna, 2025b). از سوی دیگر، مجموعه‌ای از گزارش‌ها از صحنه، به‌ویژه از بیمارستان‌ها و مراکز درمانی، نشان می‌دهد موج انفجارها و ترکش‌ها به بخش‌هایی از مراکز درمانی سرایت کرده و موجب جراحات متعدد و اخلال در ارائه خدمات به بیماران شده است (Eghtesad Online, 2025). در برخی روایات خبری، تخریب و خسارات به بیمارستان‌ها «جنایت جنگی» توصیف شده و مبانی حقوقی آن نیز مورد استناد قرار گرفته است (Irna, 2025c). این مجموعه داده‌ها - هرچند نیازمند تکمیل و راستی‌آزمایی فنی مستقل - در مجموع به الگوی حملاتی اشاره می‌کند که آثار مستقیم و غیرمستقیم بر غیرنظامیان و اموال غیرنظامی در شهرهای ایران بر جای گذاشته است (Isna, 2025a).

یکی از اصلی‌ترین ادعاهای مطرح‌شده در ارتباط با جنگ ۱۲ روزه میان ایران و اسرائیل، موضوع حمله به اهداف غیرنظامی در خاک

کاهش آثار بر غیرنظامیان اتخاذ نشده، عناصر مادی جنایت جنگی قابل بررسی خواهد بود.

#### استفاده از تسلیحات ممنوعه

یکی دیگر از موضوعات مطرح در این جنگ، ادعاهای مربوط به استفاده از تسلیحات ممنوعه (مانند موشک‌های هلفایر، تسلیحاتی که به علت شعاع تخریب بالا در مناطق غیرنظامی استفاده نمی‌گردد و یا با اطمینان از تخلیه جمعیت غیرنظامی می‌توان از آن‌ها استفاده نمود (Dinstein, 2022)) در جریان حملات هوایی و موشکی است. رسانه‌های ایرانی گزارش کرده‌اند که برخی از نوع تسلیحات مورد استفاده، موجب ایجاد تخریب‌های گسترده و آلودگی‌های بلندمدت زیست‌محیطی شده است (Tasnim, 2025b). این دست از سلاح‌ها، که اثرات غیرقابل‌کنترلی بر غیرنظامیان و محیط زیست بر جای می‌گذارند، در بسیاری از اسناد و رویه‌های حقوقی بین‌المللی منع شده‌اند. پژوهش‌های جدید نشان می‌دهد که استفاده از این‌گونه تسلیحات به دلیل ماهیت غیرقابل‌تفکیک آن‌ها با اهداف غیرنظامی، از مصادیق بارز نقض حقوق کیفری بین‌المللی است (Casey-Maslen, 2019). همچنین، بر اساس دیدگاه تحلیلی صاحب‌نظران، به‌کارگیری چنین تسلیحاتی می‌تواند به‌عنوان نقض اصل منع وارد آوردن آسیب غیرضروری و رنج بیهوده تلقی شود (Clapham & Gaeta, 2020). در نتیجه، شواهد و گزارش‌های مستند داخلی، زمانی که با این مبانی نظری تطبیق داده شوند، می‌توانند نشانگر وقوع نقض‌های جدی در سطح جنایت جنگی باشند.

در خلال منازعه دوازده‌روزه، بحث درباره نوع مهمات به‌کاررفته و آثار آن‌ها بر بافت شهری و جمعیت غیرنظامی، به‌ویژه «سلاح‌های انفجاری با آثار وسیع در مناطق پرجمعیت»، در رسانه‌های داخلی بازتاب یافته است؛ گزارش‌های تحلیلی داخلی بر تمرکز حملات بر جنگ‌افزارهای پر قدرت هوای پایه و پهپادها تأکید می‌کنند (Asr Iran, 2025). از منظر حقوقی، حتی اگر

ایران است. گزارش‌های میدانی منتشر شده از سوی خبرگزاری‌های داخلی نشان می‌دهد که حملات موشکی و هوایی اسرائیل عمدتاً متوجه مراکز شهری و مناطق پرجمعیت بوده و این امر منجر به تخریب گسترده خانه‌ها و زیرساخت‌های حیاتی و نیز کشته و زخمی شدن تعداد زیادی از غیرنظامیان شده است (Fars, 2024).

چنین اقداماتی نه‌تنها از منظر انسانی و اخلاقی قابل سرزنش است، بلکه در پرتو حقوق کیفری بین‌المللی نیز مصداق روشن حمله علیه غیرنظامیان محسوب می‌شود. بر اساس رویه دکتین حقوق کیفری بین‌المللی، حملات عمدی علیه جمعیت غیرنظامی یا اهدافی که فاقد ماهیت نظامی هستند، در زمره جنایت جنگی قرار می‌گیرند (Schabas, 2017). افزون بر این، بسیاری از پژوهشگران تأکید کرده‌اند که اصول عرفی حقوق بشردوستانه، همچون اصل تفکیک و تناسب، به‌طور مطلق حمله به غیرنظامیان را ممنوع می‌داند (Dinstein, 2022). بنابراین، مستندات ارائه‌شده از سوی منابع داخلی می‌تواند به‌عنوان پایه‌ای برای بررسی مسئولیت کیفری بین‌المللی مورد استناد قرار گیرد.

از منظر حقوق کیفری بین‌المللی و حقوق بشردوستانه، چنین اصابت‌هایی در چارچوب اصل تفکیک (تمایز میان اهداف نظامی و غیرنظامی)، اصل تناسب و اصل احتیاطات در حمله تحلیل می‌شود. پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷ بر تکلیف متمایزسازی، منع حملات کور یا بی‌تمایز و اتخاذ کلیه احتیاطات ممکن برای کاستن از آسیب به غیرنظامیان تصریح دارد (Sassòli, 2019). کنوانسیون چهارم ژنو نیز از مراکز و کارکنان درمانی حمایت ویژه می‌کند. همچنین، اساسنامه رم تعمداً هدف‌گیری جمعیت غیرنظامی یا اهداف غیرنظامی را جنایت جنگی می‌شمارد و وارد کردن خسارت گسترده و نامتناسب به اموال مدنی را ممنوع می‌کند (Schabas, 2010). در نتیجه، اگر اثبات شود که برخی حملات بدون رعایت این اصول انجام شده‌اند یا احتیاطات لازم برای

غیرنظامی یا اماکن غیرنظامی، حملات نامتناسب و حمله به واحدهای پزشکی و وسایل نقلیه پزشکی (Schabas, 2010). افزون بر آن، اگر الگوی رفتار، «حمله‌ای گسترده یا سیستماتیک علیه جمعیت غیرنظامی» را با علم به این حمله نشان دهد، برخی اعمال - مانند قتل یا «سایر اعمال غیرانسانی با قصد ایجاد درد و رنج شدید» - ممکن است ذیل جنایت علیه بشریت نیز قابل بحث شوند؛ هرچند احراز این سطح، نیازمند سنجش دقیق عناصر آگاهی و سیاست‌گذاری کلان در طراحی و اجرای حملات است (Bassiouni, 2010). در حقوق بشردوستانه، قواعد عرفی صلیب سرخ در باب تفکیک، تناسب و احتیاطات و نیز حمایت‌های ویژه از مأموریت پزشکی، مرجع ارزیابی‌اند (Sassòli, 2019).

اثبات جنایت علیه بشریت، برخلاف جنایت جنگی، صرفاً به ارتکاب اقدام مادی علیه غیرنظامیان محدود نمی‌شود، بلکه نیازمند نشان دادن الگوی گسترده یا سیستماتیک حمله و وجود سیاست یا قصد کلان در اجرای آن است (Cassese, 2013). به عبارت دیگر، هرچند یک حمله منفرد به غیرنظامیان می‌تواند جنایت جنگی محسوب شود، برای احراز جنایت علیه بشریت لازم است که رفتار ارتكابی بخشی از سیاست یا الگوی سازمان‌یافته‌ای باشد که جمعیت غیرنظامی را به‌طور سیستماتیک هدف قرار دهد. علاوه بر این، عنصر روانی در جنایت علیه بشریت پیچیده‌تر است؛ باید نشان داده شود که مرتکب از پیامدهای عمل خود آگاه بوده و قصد مشارکت در اجرای سیاست گسترده را داشته است (Schabas, 2017). این تمایز، ضرورت تحلیل دقیق زمینه‌ها، مستندسازی شواهد مرتبط با ساختار تصمیم‌گیری و جمع‌آوری داده‌های میدانی و مستندات مرتبط با سیاست‌های کلان را برجسته می‌کند و نقش کارشناسان جرم‌شناسی و حقوق بین‌الملل کیفری در ارائه پرونده‌های معتبر را حیاتی می‌سازد.

نوع مهمات (موشک‌های هلفایر)، در ذات خود، ذیل ممنوعیت مطلق قراردادی قرار نگیرد، به‌کارگیری مهمات با شعاع تخریب و ترکش بالا در محیط‌های متراکم شهری می‌تواند به حملات «بی‌تمایز» بینجامد و با اصول تفکیک، تناسب و احتیاطات در تعارض قرار گیرد (Sassòli, 2019). در مقابل، مقامات رژیم صهیونیستی ادعا دارند که در حملات از تسلیحات نقطه‌زن استفاده شده است و همچنین مناطق مورد حمله با اعلام قبلی تخلیه شده است (Isna, 2025c). اما با در نظر گرفتن آمار شهدای جنگ و گزارش‌های راجع به میزان تخریب اماکن مسکونی و غیرنظامی، این ادعای اسرائیل محل تردید می‌باشد.

### نقض حقوق غیرنظامیان

علاوه بر حملات مستقیم علیه زیرساخت‌ها و منازل مسکونی، گزارش‌ها حاکی از آن است که در خلال این جنگ، حقوق بنیادین غیرنظامیان نیز نقض شده است. بر اساس گزارش‌های میدانی، قطع گسترده خدمات عمومی، از جمله برق و آب در برخی مناطق، موجب افزایش رنج و مشقت مردم غیرنظامی گردید (Student News, 2024). افزون بر آن، تخریب برخی زیرساخت‌های درمانی (مانند بیمارستان‌های کرمانشاه (Irna, 2025c) و نیز تخریب بخشی از بیمارستان ولیعصر (عج) تهران در اثر موج انفجار ناشی از حمله به ستاد فرماندهی نیروی انتظامی ایران) (Eghtesad Online, 2025; Isna, 2025a)، با اصول بنیادین حقوق بشردوستانه، از جمله تعهد به حمایت ویژه از افراد آسیب‌پذیر در زمان مخاصمه مسلحانه، در تضاد قرار دارد (Sassòli, 2019). در این چارچوب، منابع علمی تأکید دارند که چنین اعمالی نه تنها در سطح عرفی، بلکه در سطح حقوق موضوعه بین‌المللی نیز غیرقابل قبول بوده و مستوجب مسئولیت کیفری فردی مرتکبان است (Bantekas, 2021).

از منظر حقوقی، «اساسنامه رم» به جنایت‌های جنگی علیه غیرنظامیان می‌پردازد؛ از جمله، تعمداً هدف قرار دادن جمعیت

ضمن رصد مستقیم مناطق آسیب‌دیده و جمع‌آوری اطلاعات اولیه، نقش مشاوره‌ای و هدایت استانداردهای مستندسازی را ایفا کردند (Irna, 2025a; Sassòli, 2019). هم‌زمان، نهادها و سازمان‌های محلی، از جمله انجمن‌های حقوق بشری ایرانی و شبکه خبرنگاران محلی، با جمع‌آوری مشاهدات میدانی، عکس‌ها و ویدئوهای ثبت‌شده توسط شهروندخبرنگاران، داده‌های ارزشمندی در اختیار محققان و کارشناسان حقوق کیفری بین‌المللی قرار دادند (Irna, 2025b). این همکاری میان‌سازمانی، امکان ایجاد زنجیره اعتماد و تطبیق داده‌های میدانی با استانداردهای بین‌المللی را فراهم می‌آورد و پایه‌ای برای ارزیابی نقض‌ها در سطح حقوقی ایجاد می‌نماید (Sassòli, 2019).

#### ابزارها و روش‌های به‌کاررفته

روش‌های مستندسازی در این جنگ، ترکیبی از ابزارهای سنتی و فناوری‌های نوین بود. اسناد بیمارستانی، شهادت‌های شفاهی و گزارش‌های میدانی سنتی، پایه‌های اولیه جمع‌آوری اطلاعات را تشکیل می‌دادند (Isna, 2025b). باید توجه داشت که فناوری‌های نوین مانند تصاویر ماهواره‌ای، تحلیل داده‌های متن‌باز و هوش مصنوعی، امکان ردیابی مسیر حملات، تحلیل الگوهای تخریب و شناسایی مناطق آسیب‌دیده را فراهم می‌کند (Casey- Maslen, 2019; Clapham & Gaeta, 2020). استفاده از این ابزارها، نه تنها دقت مستندسازی را افزایش می‌دهد، بلکه امکان ارائه ادله مبتنی بر داده‌های کمی و قابل استناد در محاکم ملی و بین‌المللی را نیز فراهم می‌سازد (Bantekas, 2021). اما در جنگ ۱۲ روزه هیچ‌گونه مستند یا گزارشی در این زمینه منتشر نشده است و ظاهراً ظرفیت مزبور بلااستفاده مانده است.

#### چالش‌های فنی، امنیتی و سیاسی

مطالعات پیشین نشان می‌دهند که فرایند مستندسازی نقض‌های حقوق بین‌الملل کیفری، حتی در شرایط عادی، با مجموعه‌ای از چالش‌های فنی، امنیتی و سیاسی مواجه است (Dinstein,

در سطح شواهد، گزارش‌های داخلی بر نقش اسناد میدانی (عکس‌ها و ویدئوهای ثبت‌شده توسط شهروندخبرنگاران و خبرنگاران رسمی)، سوابق بیمارستانی، و شهادت‌های شفاهی متضرران و کادر درمان تأکید دارند (Irna, 2025a). هم‌سوسازی این شواهد با استانداردهای ادله در حقوق کیفری بین‌المللی برای آن ضروری است که ادعاها از سطح رسانه‌ای به آستانه ادله قابل قبول در مراجع رسیدگی ارتقا یابند. افزون بر خسارات جانی و جسمی، برخی تحلیل‌های داخلی به پیامدهای محیط‌زیستی حملات نیز اشاره کرده‌اند که می‌تواند در صورت اثبات، در زمره «خسارات گسترده، بادوام و شدید به محیط زیست» قرار گیرد (Tasnim, 2025b).

#### فرایند مستندسازی

فرایند مستندسازی نقض‌های حقوق بین‌الملل کیفری، مرحله‌ای حیاتی در تضمین پاسخگویی و تحقق عدالت بین‌المللی به شمار می‌رود. این فرایند نه تنها مستلزم جمع‌آوری و تحلیل دقیق شواهد مادی و معنوی است، بلکه نیازمند هماهنگی میان نهادهای ملی و بین‌المللی و بهره‌گیری از ابزارها و روش‌های علمی و قانونی است. در این چارچوب، نقش سازمان‌های بین‌المللی و نهادهای محلی، انتخاب ابزارها و روش‌های مناسب، و مدیریت چالش‌های فنی، امنیتی و سیاسی، همگی از اهمیت اساسی برخوردارند. مطالعه جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل، نمونه‌ای از کاربرد عملی این فرایند در شرایط پیچیده و محدودیت‌های واقعی را ارائه می‌کند و امکان بررسی نقاط قوت و ضعف مستندسازی در چنین مخاصماتی را فراهم می‌آورد.

#### نقش سازمان‌های بین‌المللی و نهادهای محلی

در جریان جنگ ۱۲ روزه، مستندسازی نقض‌های ادعایی حقوق کیفری بین‌المللی و حقوق بشر، ترکیبی از فعالیت‌های سازمان‌های بین‌المللی و نهادهای محلی را شامل شد. سازمان‌هایی مانند صلیب سرخ بین‌المللی و دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل،

استفاده از تصاویر ماهواره‌ای، داده‌های متن‌باز و تحلیل‌های مبتنی بر هوش مصنوعی، لازم است (Dinstein, 2022; Schabas, 2017).

### تحلیل و ارزیابی تعامل دو حوزه

تعامل میان جرم‌شناسی و حقوق کیفری بین‌المللی، نقش محوری در تقویت فرایند مستندسازی و پیگیری جرایم بین‌المللی دارد. این تعامل امکان بهره‌گیری از تحلیل‌های علمی، شواهد آماری و الگوهای رفتاری برای اثبات عناصر مادی و روانی جرایم را فراهم می‌کند و در عین حال، محدودیت‌ها و چالش‌های اجرایی همکاری میان کارشناسان دو حوزه را نیز آشکار می‌سازد. در این بخش، بررسی می‌شود که چگونه یافته‌های جرم‌شناسی می‌توانند به اثبات جرایم بین‌المللی کمک کنند، نقاط قوت و ضعف همکاری میان کارشناسان تحلیل می‌شود و شکاف‌ها و مشکلات موجود در جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل، به‌عنوان مطالعه موردی، مورد ارزیابی دقیق قرار می‌گیرد. این بررسی، دیدگاه کاربردی و تحلیلی نسبت به تعامل میان‌رشته‌ای دو حوزه ارائه می‌دهد و اهمیت آن را در ارتقای دقت و اعتبار مستندسازی نقض‌ها نشان می‌دهد.

بررسی اینکه چگونه یافته‌های جرم‌شناسی می‌توانند به اثبات

### جرایم بین‌المللی کمک کنند

یافته‌های جرم‌شناسی، از جمله داده‌های میدانی، تصاویر ماهواره‌ای، تحلیل بقایای مهمات و مستندات پزشکی، نقش مهمی در اثبات جرایم بین‌المللی دارند. این داده‌ها، با مستندسازی دقیق الگوهای حمله، آسیب‌های مستقیم و غیرمستقیم به غیرنظامیان و تخریب زیرساخت‌های شهری، امکان شناسایی عناصر مادی جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت را فراهم می‌کنند (Bantekas, 2021; Casey-Maslen, 2019). به‌کارگیری تکنیک‌های نوین جرم‌شناسی، از جمله داده‌های متن‌باز و تحلیل داده‌های تصویری، نه تنها کیفیت شواهد را افزایش می‌دهد، بلکه

یافته‌های کلی در جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل نیز قابل مشاهده و تطبیق بوده‌اند:

الف. چالش‌های فنی: تحقیقات جرم‌یابی جنگی نشان می‌دهند که محدودیت‌های دسترسی به صحنه‌های وقوع نقض، خرابی زیرساخت‌ها، موانع امنیتی و محدودیت‌های تردد، همواره کار کارشناسان را دشوار می‌سازد (Mettraux, 2020). علاوه بر این، کیفیت برخی داده‌های غیررسمی، مانند ویدئوهای موبایلی یا تصاویر منتشرشده در شبکه‌های اجتماعی، پایین بوده و نیازمند تطبیق با شواهد دیگر و اعتبارسنجی است تا بتوان از آن‌ها در تحلیل حقوقی استفاده کرد. در جنگ ۱۲ روزه، این محدودیت‌ها مشاهده شد (Irna, 2025b) و بر امکان بازدید مستقیم و جمع‌آوری داده‌های میدانی تأثیر گذاشت.

ب. چالش‌های امنیتی: مطالعات پیشین نشان داده‌اند که خطر آسیب دیدن نیروهای میدانی و تهدید شهروند خبرنگاران محدودیت‌های جدی در جمع‌آوری داده‌ها ایجاد می‌کند (Mettraux, 2020). این اصل نیز در جنگ ۱۲ روزه مصداق یافت و مانع ورود برخی کارشناسان به مناطق تحت درگیری شد.

ج. چالش‌های سیاسی و رسانه‌ای: تحقیقات حقوق بین‌الملل کیفری نشان می‌دهد که روایت‌های متعارض رسانه‌ای، فشارهای سیاسی و ضرورت رعایت بی‌طرفی، دقت و استقلال مستندسازی را تحت تأثیر قرار می‌دهند (Schabas, 2017). در جنگ ۱۲ روزه نیز این مسائل باعث شد تا مستندسازی با دشواری‌های مضاعف مواجه شود (Tasnim, 2025b) و لزوم استانداردسازی، رعایت پروتکل‌های دقیق و تحلیل بی‌طرفانه بیش از پیش آشکار گردد.

مطالعات جرم‌شناسی و حقوق کیفری بین‌المللی توصیه می‌کنند که برای مقابله با این چالش‌ها، توسعه پروتکل‌های استاندارد، آموزش کارشناسان محلی و ترکیب روش‌های سنتی و نوین، از جمله

می‌تواند در محاکم ملی و بین‌المللی به‌عنوان ادله معتبر مورد استناد قرار گیرد (Clapham & Gaeta, 2020).

داده‌های جمع‌آوری شده توسط نهادهای محلی و خبرنگاران، در صورتی که با استانداردهای بین‌المللی همسوسازی شوند، می‌توانند به اثبات وقوع حملات عمدی یا بی‌تفاوت به غیرنظامیان کمک کنند و در تحلیل تناسب و تفکیک اهداف نظامی نقش داشته باشند (Sassòli, 2019). همسوسازی داده‌ها با استانداردهای بین‌المللی شامل ثبت دقیق زمان و مکان وقوع رویداد، طبقه‌بندی نوع شواهد (تصویر، ویدئو، گزارش میدانی)، حفظ زنجیره نگهداری مدرک و استفاده از روش‌های مستندسازی قابل راستی‌آزمایی است. به‌عنوان مثال، در بررسی حملات به مناطق غیرنظامی در جنگ یمن، خبرنگاران و نهادهای محلی با ثبت ویدئوهای محلی، تطبیق آن‌ها با تصاویر ماهواره‌ای و مستندسازی مسیر جمع‌آوری اطلاعات، توانستند شواهدی ارائه دهند که برای محاکم بین‌المللی قابل استناد بود (Human Rights, 2017).

#### نقاط قوت و ضعف همکاری بین کارشناسان دو حوزه

یکی از نقاط قوت مهم، تعامل نزدیک میان کارشناسان جرم‌شناسی و حقوق کیفری بین‌المللی است. همکاری میان این گروه‌ها، امکان تفسیر صحیح داده‌های میدانی به زبان حقوقی، تدوین گزارش‌های حقوقی مستدل و ارتقای کیفیت شواهد ارائه‌شده به محاکم ملی و بین‌المللی را فراهم کرده است (Schabas, 2017). ابزارهای مشترک مانند زنجیره حفظ ادله، فراداده‌های زمانی - مکانی و تحلیل دقیق بقایای مهمات، نمونه‌ای از هم‌افزایی بین حوزه‌هاست (Dinstein, 2022). با این حال، چالش‌هایی نیز وجود دارد؛ از جمله تفاوت در روش‌شناسی دو حوزه، کمبود آموزش‌های تخصصی متقابل و محدودیت دسترسی به داده‌ها در مناطق عملیاتی. این موارد می‌تواند موجب تأخیر در تولید گزارش‌های مستدل و کاهش قابلیت استناد شواهد شود (Mettraux, 2020).

#### تحلیل شکاف‌ها و مشکلات موجود در جنگ ۱۲ روزه

در جنگ ۱۲ روزه، برخی شکاف‌ها و مشکلات در تعامل دو حوزه مشهود بود. محدودیت‌های امنیتی و سیاسی، از جمله خطر حمله به نیروهای میدانی یا تهدید شهروند خبرنگاران، جمع‌آوری اطلاعات را محدود کرد (Irna, 2025b). علاوه بر آن، فقدان استاندارد یکپارچه برای مستندسازی و پراکندگی داده‌ها میان نهادهای مختلف موجب شد تحلیل‌ها به‌صورت کامل و سیستماتیک انجام نشود (Tasnim, 2025a). برخی از شکاف‌ها نیز ناشی از تفاوت دیدگاه میان کارشناسان حقوق کیفری بین‌المللی و جرم‌شناسان میدانی بود؛ به‌گونه‌ای که داده‌های دقیق فنی گاهی با الزامات حقوقی مطابقت نداشت و نیازمند تفسیر و بازتفسیر مستمر بود (Sassòli, 2019). به‌طور کلی، با وجود قابلیت‌های بالقوه تعامل دو حوزه، این شکاف‌ها و محدودیت‌ها بر اثربخشی مستندسازی و ارائه ادله به محاکم می‌تواند تأثیرگذار باشد و در نتیجه، لزوم توسعه پروتکل‌ها و استانداردهای یکپارچه بیش از پیش احساس می‌شود (Clapham & Gaeta, 2020).

#### راهکارها و پیشنهادات

با توجه به پیچیدگی‌ها و چالش‌های شناسایی و مستندسازی نقض‌های حقوق بین‌الملل کیفری، ارائه راهکارهای عملی و پیشنهادهای کاربردی ضرورت می‌یابد. این بخش به بررسی روش‌هایی می‌پردازد که می‌توانند تعامل میان جرم‌شناسان و حقوقدانان را تقویت کنند، بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در پایش و مستندسازی را ارتقا دهند و در عین حال، اطمینان از بی‌طرفی، دقت و امنیت داده‌ها را تضمین کنند. مطالعه جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل نمونه‌ای ملموس برای تطبیق این پیشنهادهای با شرایط واقعی فراهم می‌آورد و امکان ارائه توصیه‌های عملی و استراتژیک برای بهبود فرایندهای مستندسازی و پیگیری جرایم بین‌المللی را فراهم می‌سازد.

(2019). همچنین، رعایت اصول امنیتی برای حفاظت از کارشناسان میدانی، شهروند خبرنگاران و شهروندان مشارکت‌کننده، از نظر اخلاقی و حقوقی اهمیت فراوانی دارد. این اقدامات نه تنها موجب افزایش اعتماد محاکم و نهادهای بین‌المللی به داده‌ها می‌شود، بلکه امکان استفاده مؤثر از شواهد در تحقیقات و پیگیری جرایم بین‌المللی را نیز تسهیل می‌کند (Clapham & Gaeta, 2020).

### نتیجه‌گیری

این مقاله با تمرکز بر جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل، تعامل میان دو حوزه جرم‌شناسی و حقوق کیفری بین‌المللی را در مستندسازی و پیگیری نقض‌ها بررسی کرد. یافته‌ها نشان می‌دهد که جرم‌شناسی جنگی با استفاده از روش‌های میدانی، جمع‌آوری داده‌های نوین و تحلیل‌های دقیق، توانسته الگوهای حملات، آثار مستقیم و غیرمستقیم بر غیرنظامیان و خسارات ناشی از استفاده از تسلیحات مختلف را شناسایی کند. این داده‌ها، در صورتی که به صورت نظام‌مند و با رعایت استانداردهای علمی و اخلاقی جمع‌آوری شوند، پایه‌ای محکم برای اثبات جرایم بین‌المللی فراهم می‌آورند و امکان تبدیل شواهد به پرونده‌های قابل استناد در محاکم ملی و بین‌المللی را مهیا می‌سازند.

تحلیل مطالعه موردی نشان داد که آسیب‌های وارده به غیرنظامیان و زیرساخت‌های شهری، علاوه بر آثار انسانی، ابعاد گسترده اجتماعی، اقتصادی و روانی نیز دارند. این واقعیت تأکید می‌کند که مستندسازی نقض‌ها نباید صرفاً به ثبت رخداد‌های نظامی محدود شود، بلکه باید شامل ارزیابی جامع از تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم بر جوامع و زندگی روزمره مردم نیز باشد. در این چارچوب، داده‌های جرم‌شناسانه، هنگامی که با چارچوب حقوق کیفری بین‌المللی همسو شوند، امکان تحلیل قانونی دقیق و احراز عناصر مادی و روانی جنایات جنگی را فراهم می‌کنند و به توسعه شواهد متقن کمک می‌کنند.

### تقویت همکاری بین‌رشته‌ای و آموزش مشترک جرم‌شناسان و حقوق‌دانان

یکی از اولویت‌های اصلی برای ارتقای مستندسازی جرایم بین‌المللی، تقویت همکاری میان کارشناسان جرم‌شناسی و حقوق‌دانان است. ایجاد برنامه‌های آموزشی مشترک، کارگاه‌ها و سمینارهای تخصصی می‌تواند موجب آشنایی متقابل با روش‌ها، استانداردها و الزامات هر حوزه شود و توانمندی‌های کارشناسان در تحلیل داده‌ها و تدوین گزارش‌های حقوقی مستدل افزایش یابد (Clapham & Gaeta, 2020)؛ این همکاری بین‌رشته‌ای، امکان ارائه شواهد با کیفیت بالا به محاکم ملی و بین‌المللی را فراهم می‌کند و از برداشت‌های نادرست یا تفسیر ناقص داده‌ها جلوگیری می‌نماید (Bantekas, 2021).

### ارتقای فناوری‌های پایش و مستندسازی

استفاده از فناوری‌های نوین، از جمله تصاویر ماهواره‌ای، پهپادها، هوش مصنوعی و داده‌های متن‌باز، نقش محوری در جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها دارد (Casey-Maslen, 2019; Dinstein, 2022). این فناوری‌ها، امکان رصد دقیق الگوهای حمله، شناسایی آثار مستقیم و غیرمستقیم بر غیرنظامیان و ارزیابی خسارات شهری را فراهم می‌کنند. علاوه بر این، بهره‌گیری از نرم‌افزارهای مدیریت داده، سیستم‌های فراداده و پلتفرم‌های امن برای ذخیره‌سازی و تبادل اطلاعات، کیفیت مستندسازی را به طور چشمگیری افزایش می‌دهد و قابلیت استناد شواهد را در محاکم تقویت می‌کند (Mettraux, 2020).

### تضمین بی‌طرفی، دقت و امنیت داده‌ها

حفظ بی‌طرفی و امنیت داده‌ها، از جمله مهم‌ترین الزامات مستندسازی در مناقشات مسلحانه است. ایجاد پروتکل‌های یکپارچه برای جمع‌آوری و نگهداری شواهد، شامل استانداردهای زنجیره حفظ ادله، ثبت فراداده‌های زمانی - مکانی و بررسی صحت منابع، نقش حیاتی در اعتباربخشی به شواهد دارد (Sassòli, 2020).

و تحلیل آثار حملات بر غیرنظامیان و محیط شهری، علاوه بر ایجاد بسترهای قانونی برای پاسخگویی، می‌تواند به طراحی سیاست‌های امنیتی و بشردوستانه بهتر و کاهش آسیب‌های آینده کمک کند. این امر تأکید می‌کند که تحقیقات بین‌رشته‌ای و استفاده از فناوری‌های نوین در جرم‌شناسی جنگی، باید همواره با اهداف حقوقی و بشردوستانه هماهنگ باشد تا بیشترین تأثیر را در حمایت از جوامع آسیب‌پذیر داشته باشد.

برای ارتقای کارایی و اثربخشی این تعامل، پیشنهاد می‌شود که سیاست‌گذاران، نهادهای بین‌المللی و محاکم ملی به توسعه چارچوب‌های آموزشی مشترک، استانداردسازی پروتکل‌های جمع‌آوری و حفظ داده‌ها، و ایجاد مکانیزم‌های نظارتی مستقل اهتمام ورزند. همچنین، سرمایه‌گذاری در فناوری‌های پیش و تحلیل، تقویت ظرفیت‌های ملی در حوزه جرم‌شناسی و حقوق کیفری بین‌المللی، و تضمین مشارکت فعال جامعه مدنی و سازمان‌های بشردوستانه، از راهبردهای کلیدی برای ارتقای شفافیت، دقت و بی‌طرفی مستندسازی محسوب می‌شوند. این اقدامات، نه تنها امکان پیگیری مؤثر نقض‌ها را فراهم می‌کنند، بلکه زمینه‌های پیشگیری از تکرار خشونت‌ها و حمایت بهتر از غیرنظامیان را نیز تقویت می‌کنند. در مجموع، باید عنایت داشت که استمرار همکاری بین‌رشته‌ای، توسعه فناوری‌ها و رعایت اصول علمی و اخلاقی، مسیر اصلی برای تضمین عدالت و پاسخگویی در مواجهه با نقض‌های جنگی است و می‌تواند الگوی عملی برای مقابله با چالش‌های مشابه در دیگر مخاصمات منطقه‌ای و بین‌المللی فراهم آورد.

#### مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

#### تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

#### EXTENDED ABSTRACT

Contemporary armed conflicts increasingly reveal the limits of traditional legal

فرایند مستندسازی نشان داد که همکاری میان نهادهای محلی و کارشناسان دو حوزه اهمیت بسزایی دارد، اما در سطح بین‌المللی، ظرفیت‌های گسترده حقیقت‌یابی و مشارکت سازمان‌های بین‌المللی به‌طور کامل به‌کار گرفته نشده بود. استفاده از فناوری‌های نوین مانند تصاویر ماهواره‌ای، داده‌های متن‌باز و تحلیل‌های مبتنی بر هوش مصنوعی، نه تنها سرعت جمع‌آوری داده‌ها را افزایش می‌دهد، بلکه امکان بررسی الگوهای حمله و میزان آسیب‌ها را به‌صورت کمی و کیفی فراهم می‌کند. همچنین، رعایت اصول بی‌طرفی، دقت و امنیت داده‌ها، از جمله ملاحظات حیاتی است که تضمین می‌کند اطلاعات جمع‌آوری‌شده از اعتبار علمی و حقوقی لازم برخوردار باشد و بتواند در مراحل قضایی مورد استناد قرار گیرد. این یافته‌ها نشان می‌دهد که برای افزایش کارآمدی مستندسازی و پیگیری نقض‌ها، لازم است هم ظرفیت‌های داخلی تقویت شود و هم مشارکت بین‌المللی در فرایند حقیقت‌یابی به شکل سیستماتیک و مستمر مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

از منظر تحلیلی، این مطالعه نشان می‌دهد که ادغام جرم‌شناسی و حقوق کیفری بین‌المللی، علاوه بر افزایش کیفیت مستندسازی، قابلیت شناسایی خلأها و نارسایی‌ها در پاسخگویی به نقض‌ها را نیز دارد. برای مثال، برخی محدودیت‌ها در دسترسی به مناطق آسیب‌دیده، فشارهای امنیتی و دشواری‌های جمع‌آوری شواهد قابل اتکا، می‌توانند موجب ایجاد شکاف‌های اطلاعاتی و تأخیر در رسیدگی به جرایم شوند. تحلیل این شکاف‌ها، فرصت‌های بهبود سیستماتیک و توسعه ظرفیت‌های ملی و بین‌المللی را نمایان می‌کند و راهکارهایی را برای کاهش تأخیرها، افزایش دقت و تقویت همکاری میان‌رشته‌ای ارائه می‌دهد.

نتایج همچنین نشان می‌دهد که مستندسازی دقیق و علمی، نه تنها به اثبات جرایم کمک می‌کند، بلکه نقش پیشگیرانه نیز دارد. ثبت

mechanisms in identifying, documenting, and prosecuting serious violations of international humanitarian law and international criminal

law. The twelve-day war between Iran and Israel in June 2025 represents a significant contemporary case in which the complexity of military operations, the use of advanced weaponry, damage to civilian infrastructure, competing media narratives, and restrictions on direct access to affected areas created major challenges for legal documentation and criminal accountability. In such contexts, reliance solely on doctrinal analysis in international criminal law is insufficient, because proving international crimes requires not only identifying applicable legal norms but also reconstructing patterns of conduct, verifying evidence, analyzing the structure of decision-making, and linking empirical facts to the material and mental elements of international crimes. Criminology, particularly war criminology and atrocity criminology, can strengthen this process by providing analytical tools for understanding offender behavior, organizational patterns of violence, structural conditions of criminal conduct, and the social and political contexts in which violations occur (Ashouri, 2016; Garland, 2001; Hagan & Rymond-Richmond, 2009). From this perspective, the interaction between criminology and international criminal law is not merely auxiliary, but forms a necessary interdisciplinary framework for transforming scattered evidence into legally meaningful documentation. International criminal law defines the categories of crimes, jurisdictional conditions, standards of responsibility, and admissibility of evidence, while criminology helps identify recurrent patterns, explain the behavior of perpetrators, and evaluate the reliability and coherence of evidentiary materials (Bassiouni, 2010; Cassese, 2013; Mégret, 2021). This study therefore focuses on the analytical model of interaction between criminology and international criminal law in documenting alleged humanitarian law violations in the twelve-day Iran–Israel war.

The theoretical foundation of the study rests on the assumption that international criminal accountability depends on the systematic integration of legal classification and empirical reconstruction. International criminal law provides the normative framework for identifying war crimes, crimes against humanity, and other serious violations, especially through principles such as individual criminal responsibility, legality, distinction, proportionality, precautions in attack, and the prohibition of deliberate attacks against civilians and civilian objects (Dinstein, 2022; Sassòli, 2019; Schabas, 2017; Schabas, 2010). However, these legal principles can only become operational when factual evidence is collected, verified, classified, and connected to legal elements. Criminological analysis assists precisely at this point by examining behavioral patterns, command structures, organizational dynamics, and repeated modes of violence. For example, repeated attacks on civilian infrastructure, medical facilities, or densely populated urban areas may not only indicate isolated incidents but may also reveal broader patterns relevant to proving intent, knowledge, policy, or systematic conduct (Cohen, 2013; Crawford, 2019; Drumbl, 2007). In addition, modern documentation increasingly depends on digital and open-source evidence, including satellite imagery, geolocation data, videos, social media content, hospital records, field reports, and metadata. These sources can support the reconstruction of events, but they also require strict verification protocols to ensure authenticity, reliability, chain of custody, and evidentiary admissibility (Human Rights, 2013, 2017; Jones, 2019; Kavanagh & Chapman, 2020). Therefore, the theoretical model adopted in this study views documentation as a three-layered process: criminological identification of patterns, technical validation of evidence,

and legal translation of facts into the constituent elements of international crimes. Methodologically, the study follows a descriptive–analytical and interdisciplinary approach, using the twelve-day Iran–Israel war as a case study for examining how criminological and legal tools can jointly support the documentation of alleged humanitarian law violations. The case is important because available reports indicate that the conflict involved attacks on military, nuclear, urban, residential, medical, and infrastructural sites, as well as extensive public debate regarding the legality of the methods and means of warfare used during the conflict (Asr Iran, 2025; Mashregh, 2025; Masir Eqtesad, 2025). Reports from Iranian sources described damage to residential areas in Tehran and other cities, injuries to civilians, damage to hospitals and medical facilities, and disruption of essential services, all of which raise issues under the principles of distinction, proportionality, and precautions in attack (Eghtesad Online, 2025; Irna, 2025c; Isna, 2025a, 2025b). The study does not treat media reports as final proof of international crimes; rather, it evaluates how such reports may serve as preliminary data requiring corroboration through independent verification, technical analysis, and legal qualification. This distinction is crucial because documentation in international criminal law must move beyond descriptive reporting and toward evidentiary reconstruction capable of meeting judicial standards. Reports on civilian casualties, damage to hospitals, debris removal, and destruction of infrastructure may provide initial indicators, but their legal relevance depends on the ability to verify time, location, weapon type, target status, foreseeable civilian harm, and the decision-making context of the attack (Irna, 2025a, 2025b; Tasnim, 2025a; Tirdadnameh, 2025). Thus, the study emphasizes that the central challenge is not merely collecting information,

but organizing it into a coherent evidentiary structure suitable for national or international proceedings.

The findings indicate that criminology can contribute to the documentation of international crimes at several interconnected levels. First, it can help identify behavioral and structural patterns of violations, such as repeated attacks on similar categories of targets, recurring harm to civilians, or consistent operational methods that may reveal negligence, recklessness, knowledge, or intent. This is particularly important where direct evidence of criminal intent is unavailable and intent must be inferred from patterns of conduct and surrounding circumstances (Mégret, 2021; Mettraux, 2020). Second, criminological methods can guide evidence collection by identifying likely locations of relevant evidence, categories of witnesses, victim groups, and recurring operational features that should be documented. Third, criminology contributes to the assessment of credibility and coherence by comparing witness statements, digital evidence, hospital records, open-source materials, satellite imagery, and physical traces of attacks. This multi-source triangulation can reduce the risk of manipulation, selective reporting, or evidentiary gaps (Jones, 2019; Kavanagh & Chapman, 2020). Fourth, criminology helps translate empirical patterns into legally meaningful categories by showing how individual acts may be part of a broader organizational or policy-based structure. This is especially important in distinguishing between isolated violations, war crimes, and possible crimes against humanity, because crimes against humanity require proof of a widespread or systematic attack against a civilian population and knowledge of that attack (Bantekas, 2021; Cassese, 2013). In the case of the twelve-day war, the study shows that reports concerning attacks on residential

buildings, hospitals, and essential infrastructure may be legally significant only if they are verified and connected to the relevant elements of international crimes, including target status, intent, proportionality, foreseeability of civilian harm, and command responsibility (Casey-Maslen, 2019; Clapham & Gaeta, 2020; Sassòli, 2019).

The analysis also reveals several weaknesses in the existing documentation process. The first weakness concerns fragmentation of evidence among different actors, including local media, hospitals, civil institutions, government bodies, and informal citizen sources. Without a unified documentation protocol, evidence may lose probative value because of incomplete metadata, uncertain chain of custody, lack of standardized classification, or insufficient corroboration. The second weakness concerns limited use of advanced technological tools, especially satellite imagery, open-source intelligence platforms, geolocation, and artificial intelligence-based analysis, despite their potential importance for reconstructing attack patterns and assessing damage in inaccessible areas (Jones, 2019; Kavanagh & Chapman, 2020). The third weakness concerns political and media contestation, which can affect the perceived neutrality and credibility of documentation efforts. In highly polarized conflicts, documentation must be methodologically transparent, independently verifiable, and legally precise in order to avoid being dismissed as propaganda or advocacy rather than evidence (Schabas, 2017; Scharf, 2009). The fourth weakness relates to the difficulty of translating technical findings into legal categories. For example, evidence of destruction does not automatically establish a war crime; it must be connected to the legal status of the target, military necessity, proportionality, precautions, intent, and command responsibility (Dinstein, 2022; Schabas, 2010). Therefore, the study proposes

strengthening interdisciplinary teams composed of criminologists, international criminal lawyers, forensic experts, digital evidence specialists, medical professionals, and open-source investigators. Such teams should work through standardized protocols for evidence collection, preservation, classification, verification, and legal interpretation (Bassiouni, 2010; Mettraux, 2020). Training local actors in documentation standards is also essential, because early-stage evidence collected by journalists, medical staff, civil society groups, and affected civilians may later become crucial for judicial proceedings if properly preserved and verified. In conclusion, the study demonstrates that the interaction between criminology and international criminal law provides a more complete and reliable framework for documenting humanitarian law violations in contemporary armed conflicts. The twelve-day Iran–Israel war shows that documentation cannot be reduced to the accumulation of reports, images, or casualty statistics; it requires a systematic process through which facts are verified, patterns are identified, evidence is preserved, and legal meaning is constructed. Criminology strengthens this process by explaining behavior, detecting recurring patterns, analyzing structural conditions, and supporting the reconstruction of events, while international criminal law provides the normative categories and procedural standards necessary for accountability. The most effective model is therefore an integrated one in which empirical analysis and legal reasoning operate together from the earliest stages of documentation. Such a model can improve the accuracy, credibility, and judicial usability of evidence, reduce evidentiary gaps, support victims' rights, and enhance the possibility of meaningful criminal accountability. More broadly, the findings suggest that future documentation of armed conflicts should be

designed as an interdisciplinary process, supported by standardized protocols, technological tools, trained local actors, independent verification mechanisms, and continuous cooperation between legal and criminological experts. This approach can contribute not only to post-conflict accountability but also to prevention, historical clarification, institutional learning, and the protection of civilians in future conflicts.

## References

- Ashouri, M. (2016). *Criminology and International Criminal Law in Armed Conflicts*. Nashr-e Edalat.
- Asr Iran. (2025). Twelve features of the 12-day Israel–Iran war. <https://www.asriran.com/fa/news/1079379>
- Bantekas, I. (2021). *International Criminal Law*. Oxford University Press.
- Bassiouni, M. C. (2010). *Crimes against Humanity in International Criminal Law* (2nd ed.). Cambridge University Press.
- Casey-Maslen, S. (2019). *Weapons under International Humanitarian Law*. Cambridge University Press.
- Cassese, A. (2013). *International Criminal Law* (3rd ed.). Oxford University Press.
- Clapham, A., & Gaeta, P. (2020). *The Oxford Handbook of International Law in Armed Conflict*. Oxford University Press.
- Cohen, D. (2013). *Crimes of War: The Criminalization of War in Contemporary International Law*. Oxford University Press.
- Crawford, N. C. (2019). *Accountability for Humanitarian Law Violations in Armed Conflicts: A Criminological Perspective*. Cambridge University Press.
- Dinstein, Y. (2022). *The Conduct of Hostilities under the Law of International Armed Conflict*. Cambridge University Press.
- Drumbl, M. A. (2007). *Atrocity, Punishment, and International Law*. Cambridge University Press.
- Eghtesad Online. (2025). Israel's attack on three hospitals in Kermanshah. <https://www.eghtesadonline.com/fa/news/2068048>
- Fars, N. (2024). An analysis of the Zionist regime's attack on Iran. <https://farsnews.ir/RezaVasei/1729915505074010908>
- Garland, D. (2001). *The Culture of Control: Crime and Social Order in Contemporary Society*. University of Chicago Press.
- Hagan, J., & Raymond-Richmond, W. (2009). *Darfur and the Crime of Genocide*. Cambridge University Press.
- Human Rights, W. (2013). *Satellite Imagery and the Syrian Conflict: Documenting Destruction and Civilian Harm*.
- Human Rights, W. (2017). *Yemen: Investigating Civilian Harm in Armed Conflict*.
- Irna. (2025a). The aggressive and deliberate attack by the Israeli regime on hospitals is a war crime. <https://www.irna.ir/news/85867198>
- Irna. (2025b). Latest status of the injured in the Zionist regime's terrorist action at Hazrat Rasoul Akram Hospital. <https://www.irna.ir/news/85861322>
- Irna. (2025c). Narrative of a crime in the ICU; when the hospital was not safe either. <https://www.irna.ir/news/85896121>
- Isna. (2025a). Initial reports of attacks on Tehran / several residential buildings were targeted. <https://www.isna.ir/news/1404032314797>
- Isna. (2025b). Use of 500 vehicles in debris-removal operations in areas damaged by the Zionist regime's attacks on Tehran. <https://www.isna.ir/news/1404041006211>
- Isna. (2025c). The Zionist regime's attack on points in Tehran – 1. <https://www.isna.ir/photo/1404032314790>
- Jones, S. (2019). Documentation of War Crimes in Contemporary Conflicts. *International Review of the Red Cross*, 101(910), 35-58.
- Kavanagh, J., & Chapman, B. (2020). Open-Source Intelligence in International Humanitarian Law Investigations. *international criminal law review*, 20(1), 110-135.
- Mashregh, N. (2025). Iran's operational damage to the Zionist regime's nuclear brain. <https://www.mashreghnews.ir/news/1731482>
- Masir Eqtesad. (2025). Narrative of Iran's 12-day war with America and the Zionist regime. <https://masireqtesad.ir/208173>
- Mégret, F. (2021). Criminology and International Law: An Interdisciplinary Approach. *Journal of International Criminal Justice*, 19(1), 70-92.
- Mettraux, G. (2020). *International Crimes: Law and Practice*. Oxford University Press.
- Sassòli, M. (2019). *International Humanitarian Law: Rules, Controversies, and Solutions to Problems Arising in Warfare*. Edward Elgar Publishing.
- Schabas, W. (2017). *An Introduction to the International Criminal Court*. Cambridge University Press.
- Schabas, W. A. (2010). *The International Criminal Court: A Commentary on the Rome Statute* (3rd ed.). Oxford University Press.
- Scharf, M. P. (2009). *Customary International Law and the Law of Armed Conflict*. Cambridge University Press.

- Student News, N. (2024). A new chapter of resistance and Iran's development after the sudden attacks by Israel and America. <https://snn.ir/fa/news/1279836>
- Tasnim. (2025a). Government directive for documenting damages caused by the Israeli and American attack. <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1404/05/27/3378931>
- Tasnim. (2025b). War and bullets fired into the heart of nature. <https://www.tasnimnews.com/fa/news>
- Tirdadnameh. (2025). Statistics of Iranian martyrs in the twelve-day war. <https://tirdadname.ir/amar-shohada-israeil-iran>